

A Manual for Teachers of Primary and Secondary Education in Afghanistan



October, 2005

**Prepared by Teachers Without Borders
And
Afghans4tomorrow**

آوردن افکار جدید به تمارین داخل صنف

2004

معلمین بدون سرحد

- آماده شدن برای آموزش
- تصمیم گرفتن در قصه گوئی
- روحی را که ما را با هم میآورد
- چرا ما اینجا هستیم؟
- همراهی هم چه انجام خواهیم داد؟
- یک قصه تدریس خوب
- اساس اداره و نگهداری صنف

اعمال آموزشی تدریس صنف

- اساس بر نامه ریزی
- طرز تدریس و تمرین
- وضع تدریس خوب
- مبادی و اصول آموزشی
- وظایف سطح بلند و پائین
- آموختن در جمعی گروه
- فن پرسیدن سوالات خوب
- شناختن دانش آموزان: اركس، پیوجت و ریجیو
- طرق آموزش به مهارت ابتکاری و نظم
- چطور طرق آموزش بالای تحصیل اثر دارد
- تفکر در قسمت راست و چپ مغز
- چطور افکار قسمت راست و چپ مغز بالای تحصیل اثر میگذارد
- هوش و زیرکی متعدد
- هوش و زیرکی احساسات
- رهنمائی بجا
- بهتر ساختن ایفائی مکتب
- آماده ساختن تدبیر دروس پیس از وقت به وسیله طرح ریزی
- آموختن به اساس تکالیف
- نمونه های ارزیابی
- پورتفولیو

مواظب جامع بودن

- حقایق زندگی – یونسکو
- مکاتبه موثر

ضمیمه

- عناوین ارزیابی تدریس
- پرسشنامه برای معلمین که درس می خوانند
- سر معلمین
- ارزیابی این طرز تدریس

آماده شدن برای آموزش

- قدر دانی و مهمان نوازی
- روحی که ما را بهم میآورد
- چرا ما اینجا هستیم
- همراه هم چه را میتوانیم به ثمر برسانیم

قصه تدریس خوب : انگاشتن یک تحصیل با کیفیت

فایضه صنف را آغاز می کند با متقاعد شدن اینکه صنف پاک و منظم است. شاگردان معلم خود را با این کار کمک می کند و بعداً بالای بوری نشسته و تشکیل یک قطاری به شکل \llcorner می کند. یکی از شاگردان صنف با گفتن یک شعار و یا سرودن یک ترانه را آغاز میکند. بعداً معلم حاضری را می گیرد و تعداد شاگردان حاضر و غیر حاضر را می نویسد و تاریخ را به روی تخته می نویسد. با شاگردان احوال پرسی می کند و یکی از شاگردان یک گروپ (صنف تقسیم چندین گروپ شده) می خواهد که برای مباحثه صنفیک عنوانی را انتخاب کند. شاگرد برای دو یا سه دقیقه صحبت می کند.

هر شاگرد در صنف فرصت می باید که صحبت کند و باید اجازه داشته باشد که یک قصه، یک مشکل را اظهار بدارد و یا کدام تصادف را بیان بدارد. خلاصه صنف جانیست که شاگرد باید احساس خوش آمدید و خوشی کند، نه احساس ترس.

شاگردان درسی را که قبلاً پلان برای آن روز تهیه شده دنبال می کنند پس از آنکه درس تازه را شروع کند، معلم درس گذشته را تکرار و ارزیابی می کند که شاگردان چقدر آموخته اند. بعد درس جدید میدهد و تکرار بررسی می کند که شاگردان درس را فهمیده اند یا نه. شاگردان کار خانگی زیادی نمی گیرند، فقط همان قدر که خودشان بتوانند به آن برسند بدون کمک بسیار از والدین.

فایضه به طور مثال شاید درسی بدهد که مربوط صحبت و پاکی باشد، و یا قصه بگوید در مورد یک شخص که غذائی را خورده بود که سرش پوشیده نبود و مبتلا به مرض اسهال شد و قصه ادامه می یابد با توضیح دادن شکل و جلوگیری مرض.

معلم از وضعیت اجتماعی شاگردان با خبر است و ملاحظه می کند که کی از وضع اقتصادی درس خواندن بر خوردار نیست و روابطه هماهنگی با شاگردان و فامیل ایشان بر قرار میدارد. از خانه های شان دیدار می کند و می بیند که، کی چطور زندگی می کند. آنها را تشویق می کند تا اطفال خود را به مکتب روان کنند در امور آموزشی شاگردان همراه ایشان مکاتبه و صحبت می کند. برای رفاه و سعادت شاگردان و فامیل ایشان همکاری و همدردی می کند.

شاگردان مشتاق و هوشیار هستند، همه دارای پلان برای آینده خود هستند و برای خود آرزو و خیال های دارند، برای فامیل خود و جامعه خود افغانستان. اگر چه وضع اقتصادی ایشان ضعیف است، باز هم میخواهند که مکتب بروند. شاگردان فرصت دارند که در هنر، سپورت خود را بیان کنند و هوای تازه بگیرند. آنها میدانند که چطور با پس ماندگی کار کنند. در قلب هایشان احساس می کنند که زندگی آنها را تنها نخواهد گذاشت.

اساس اداره صنف شاگردان و معلمین

- ما باید به معلمین خود گوش کنیم و توجه ایشان را داشته باشیم
- ما باید در صنف سرو صدا نکنیم
- ما باید از دستور معلمین پیروی کنیم
- ما باید سر وقت به صنف بیائیم
- ما باید که بیشتر از یک نفر از صنف خارج نشویم
- ما باید که در صنف آماده بیائیم (کتاب، قلم، و قرطاسیه)
- ما باید اگر موضوع درسی را نفهمیدیم پرسان کنیم
- ما باید در بحث و مباحثه حصه بگیریم
- ما باید به نظریه یک دیگر احترام قابل شویم

اساس پلان درسی

تهیه کردن پلان درسی مشکل نیست. فقط پلانی تهیه کنید که موضوعات زیرین را در بر داشته باشد:

- اهداف
- من چه درس میدهم؟

- که را درس میدهم؟
- چطور شاگردان خواهند آموخت؟
- چطور میتوانم تروق تدریس را به ایشان آماده سازیم؟
- انتخاب کردن وسایل آموزشی
- دست نویسی درسی
- وصل کردن درس به ضروریات
- ذکاوت شاگردان را ارزیابی کنید
- روند کار چیست و به چه نظم است.
- آیا این نظمی دارد؟
- آماده ساختن وسایل ضروری
- طریق تدریس مختلفی را استفاده کنید تا ضروریات همه شاگردان را فراهم کنید.
- سطح مشق و تمرین و سوالات را تعیین کنید
- پلان خود را با شاگردان بحث کنید
- ارزیابی
- تصمیم بگیرید که چه چیز را تحت نظر خواهید داشت .
- تصمیم بگیرید که شاگردان چیزهایی را که میفهمند چطور ثبوت کنند .
- ارزیابی شاگردان را همراه ایشان بحث کنید.

تریق تدریس و تمرین

اساسات :

- در پهلوی کتب تدریسی ، دیگر مواد خارج از کتاب استفاده خواهد شد .
- تمرین بین دو نفر و بین گروه ها صورت خواهد گرفت .
- صنف در وقفهای معینه شروع و تمام میشود .
- دروس سر آغاز و انتهائی واضح دارد.
- در جریان درس معلم در داخل صنف قدم میزند .
- شصت فیصد وقت درسی بالای فعالیت های شاگردان صرف گردد .
- روال صنف دنبال می شود.
- اهداف هر درس باید واضحاً فراهم شود .

معلمین:

- معلم مشتاق و طرفدار شاگرد است.
- معلم هر شاگرد را به نام می شناسد.
- معلم به مشکلات شاگردان یک به یک پاسخ میدهد.
- معلم کارهای خانگی و صنفی را به اوقات معینه شان میدهد.
- معلم هر روز سر وقت به صنف و مکتب می آید .
- معلم کار های شاگردان را مرتب و ملاحظه میکند و مطمئن می شود که شکالات شان اصلاح شود .
- معلم پلان درسی دارد و از آن پیروی می کند .
- معلم مرتباً و به شکل درست پیشرفت شاگردان را ارزیابی می کند.
- معلم دروس را از پیش تهیه می کند .

شاگردان:

- نودو پنج فیصد شاگردان مرتباً به مکتب می آیند .
- شاگردان در محیطی می باشند که حس کنجکاویشان برای آموختن باید بلند برود .
- تعداد شاگردان که از صنف جدا می شوند ، از شش فیصد بالا نرود .

- برای پاسخ دادن به سوالات بیشتر از هفتاد فیصد شاگردان دستهای خود را بلند می کنند
- دست خط شاگردان واضح و خوانا است .
- شاگردان جوابات یکدیگر را اصلاح و تهیه میکنند.
- سال تمام نود فیصد شاگردان سر وقت به مکتب می آیند .
- شاگردان مسئولیت دارند که باید مطمئن گردند که صنف پاک و نظیف است .

مواد تدریسی :

- هر شاگرد تمام مواد لازمه را به دسترس دارد .
- تمام کتاب و تمرین به حالتی قرار دارند که قابل استفاده باشند .
- تخته که معلم استفاده می کند ، شاگردان هم استفاده کنند .
- مواد خارج از کتاب در جاهای مناسب استفاده شود .

محیط مکتب:

- کارهای شاگردان (مجله ، مقاله ، کارهای دستی و غیره) در صنف و یا دهلیز مناسب به نمایش گذاشته شود .
- تمام مواد نمایشی باید مناسب و به حالت خوب باشند.
- معلم و شاگردان به صنف و مکتب خود افتخار داشته باشند .
- هیچ شاگردی نباید که جزا داده شود و هیچ چوبی به داخل صنف آورده نشود .
- هیچ شاگردی نباید که در بین عامه مورد تمسخر و تحقیر قرار گیرد.
- صنف درسی تمیز و مرتب باشد .
- صنف درسی روشنی مناسب و برق دارد .
- هر طفل که بخواهد به مکتب آمده می تواند .

برنامه آموزشی و معیار :

- شاگردان باید مطابق ضروریاتی که رسماً شناخته شده است ، درس داده شوند .
- کرکیم مکتب تمرکز بالای شاگردان داشته باشد .
- کرکیم مکتب مرتباً تجدید شود و اثر آن ارزیابی شود .

حصه گیری جامعه و دسترسی به مکاتب موثر :

- اطفال باید که بتوانند مرتباً و سر وقت به مکتب می آیند .
- اطفال باید پاک و تمیز به مکتب بیایند .
- هفتاد فیصد والدین مرتباً به ملاقات های ماهانه مکتب اشتراک کنند .
- والدین مسئولیت کمک در وضع ظاهری مکتب می گیرند.
- اطفال از عناصر غیر قانونی مثل (خدمات اجباری ، خرید و فروش اطفال و دزدیدن ایشان) مواظبت می شوند
- محوطه مکتب بدست رسی اعضای جامعه قرار دارد .
- جامعه مطمئن می سازد که صنف قابل اداره است .
- اوقات مکتب وقتی است که همه شاگردان بتوانند اشتراک کنند .

والدین :

- والدین تشویق شوند که خبر سازند که اطفال شان مرتباً مکتب میروند .
- والدین از مفاد تحصیل اطفال شان با خبر اند
- والدین خبر میسازند که از اطفال شان مواظبت صورت گرفته است .
- والدین خبر میگیرند که مکتب از خطر عناصر بیرونی مورد مواظبت قرار می گیرید.
- والدین خبر داشته باشند که اطفال شان پاک و اصول صحی را مرعات می کنند .
- والدین خبر باشند که اطفال شان صحت خوب دارند ، غذا خورده و آب نوشیدنی دارند .

وضع تدریس خوب :

تدریسی عالی در مورد نظریه نیست بلکه در مورد تمرین است ، نظریه (Theory) باید که معلوم سازد که شما چه می کنید ، اما اولتر از آن باید که کامل باشد تا طبیعی ظاهر شود .

معلمین بدون سرحد تیوری (Theory) را به یک وسیله تبدیل کرده اند ، (معلم به معلم) و ما خلاصه آنرا ذیلا بطور واضح و ساده بیان داشته ایم .

توجه به شاگردان کنید ، نه بخود . شما متخصص این نیستید که بتوانید دوی دانشی به شاگردان بدهید . این طور کار نمی کند ، وقتیکه پلان درسی را تهیه می کنید ، فکر کنید که شاگردان چه می کنند ، چطور آنها معلومات را پیدا و استفاده می کنند نه اینکه کار شما چطور است .

توجه کنید که شاگردان شما کیها اند ، چنانچه که ضرب المثل است ، " کسی را که می شناسی مهم است " کلمه تعلیم "education" از کلمه اسپانوی "educar" گرفته شده که معنای آن ترقی و ترتیب نمودن می باشد ، و کاری که شما می کنید هم همین است . معلمین و والدین که خوب اطفال را میشناسید ، و از همه مفید تر واقع می شوند . فرق بسیار موجود است بین شاگردی را میشناسید و اینکه او را واقعاً میشناسید ، و همین است فرق بین متوسطه و عالی . صنف شما ، کارهای خانگی شما و شما باید شناسایی شاگردان را حق اولیت بدهد . فضای سالم و اطمینان بخش را فراهم بیاورید . تحصیل این نیست که کسی را به چلنج و یا رقابت کشانیده ، بلکه فکرش را باید چلنج و یا به رقابت کشانید . هیچ کسی فکر کرده نمی تواند وقتیکه ترسیده باشد ، صنف شما باید که بدون ارباب باشد (طوریکه قبلاً تذکر داده شد) اگر هرگز کسی تمسخر می کند ، باید از این کورس تدریسی خارج شود . بسیاری اوقات ارباب از سرزنش می آید و طفل از آموختن دل سرد می شود هر گز طفل را درمهرز عام خجالت ندهید .

نشان بدهید ، فقط گفتن کافی نیست . ابعاد زیادی است در ین قسمت . دست نویسی خوب ، به طور مثال خزان را با فراهم نمودن تصاویر برگان زرد و سرخ رنگ ، بوی گرم نان پزی و صدای خردو خورد برگ ها در زیر پا . گفتن و از بالا به پائین است . نشان دادن " از پائین به بالا است " موضوع مهم است . در این جا در قسمت تدریس ، نشان به شاگردان بدهید که کجا میروند و چه را باید به اتمام رسانند . بعد به ایشان نشان بدهید که چطور آنرا حاصل نمایند . مثال تهیه کنید ، نمونه بسازید و آنرا استفاده کنید . واضح بسازید که چه ضرورت دارند تا هدف خود را حاصل بدارند . اگر فزیک درس میدهید ، به ایشان مبادی و اصول را در عمل نشان بدهید ، میخانیک آنرا به ایشان نشان بدهید ، آنها را وادار بسازید که در یابند چطور و چرا محاسبات را با واقعیت مقایسه کنند .

تجزیه و تحلیل کنید ، اما بی مفهوم نسازید . معلمین عالی نا آشنا را دوباره آشنا می کنند بعضی اوقات یک مفهوم مغلق است . اگر وضعیت ازین قرار است ، از بنا شروع کنید و کار خود را تا انتها بکشانید . مردم باید که قصه را بفهمند از کجا شروع می شود ، به کجا میروند و در آخر چطور معلوم خواهد شد . این مهم است موضوعات را به اندازه کافی ساده ساخته به بخش های کوچک تا مردم بتوانند بخش ها را با هم گذاشته و معما را حل کنند . بر نامه آموزشی و تدریسی ابتدا ، وسط و آخری ضرورت دارد . شاگردان را مشغول سازید ، آنها را به فهمیدن رهنمائی کنید و نشان بدهید به ایشان که چطور دروس با ارزش اند .

حقیقت را بگوئید . بسیاری از معلمین عقیده دارند که اگر جواب هر سوالی را نداشته باشند ، بی ارزش اند . هیچ کس همه جوابات را ندارد . اگر شما شاگردی را به " من نمیدانم " جواب بدهید ، شاید بتوانید که موضوع را « به بیا که جواب را پیدا کنیم » بکشانید . شاگردان خود را رهنمائی کنید که در آموختن همکاری دیگر شوند . شاگردان خود را دعوت کنید که متخصص و ماهر به موضوعی شوند . شاگردان ضرورت دارند به ایشان اعتماد شود .

خود را وابسته به تفهیم انسانی نمائید . در طرح کردن برنامه آموزشی (curriculum) در یابید که چه چیزی مردم را به آن وابسته می کند . ریاضیات برای دلیلی اختراع شده ، بنابراین مسئله را بیان بدارید که با استفاده از

ریاضی آن را حل میتوان کرد ، مسئله واقعی دروس عالی ، مفکوره پیچیده را ساده میسازد در صورتیکه با وصل نمودن مسئله پیچیده به امور انسانی ارتباط بگیرد.

تاکید نمائید به چیز هائی که میخواهید شاگردان بخاطر بسپارند . به عمق موضوع رجوع کنید بجای عرض آن از نکات مهم را نشان بدهید با معرفی کردن طرق مختلف که میتوان موضوعات اساسی را شناخت . (به این موضوع دیر تر بر خواهیم گشت در " طرق آموزشی") فعلاً توجه کنید در آخر روز شاگرد چه چیز را تشخیص میدهد زیبایی دری چه چیز را به خاطر خواهند داشت .

سوالات به اندازه جوابات خوب است . سوال خوب ضرورت به فکر کردن دارد . گویند که برنده جایزه نوبل ، ایله ویسل روزی از مکتب به خانه آمد و در میز آشپزخانه کنار مادر نشست .
به عوض اینکه از او پرسد که "چطور هستی" و یا " چند نمره گرفتی" مادرش از او پرسید " ایا سوالات خوبی از معلم پرسان کرد امروز ؟" غروربررسی سوالات و پاسخ از مطالعه پیدا می شود و باید که خود آن هم یک انگیزه برای سوالات عالیتز و بسیط باشد.

کمتر بیشتر است . ما پیشنهاد نمی کنیم که کم درس بدهید ، بیشتر درس بدهید بدون اینکه گپ زیاد بزنید . وقتیکه سوالی می کنید ،زود پاسخ آنرا ندهید ، اگر چه فوراً جوابی نمیشنود . در جریان تفکر تسلی و تشویق کنید . گوش بدهید . توجه کنید که چطور شاگردان احساس می کنند ، اصول راجع آوری می کنند و بایکدیگر رفتار می کنند .

به شاگردان فرصت تدریس بدهید . تدریس از آموزش جدا نیست . چونکه قضیه از این قرار است ، بیائید که تدریس را مختص به معلمین نکنیم .
برای شاگردان فرصت بدهید که متخصص یک موضوع شوند و آن تجربه و معلومات خود را با دیگر شاگردان در میان بگذارد . به شاگردان کلانتر و یا پیشتاز تر فرصت آملده بسازید تا کوچکتران و آنهایی که کمتر میدانند درس خصوصی بدهند.

ببیند که چطور استادان ورزش و هنرمندان کار می کنند . مربی ثبوت می کند آنچه را که میداند ، قاعده را توضیح میدهد ، برای شاگردان فرصت میدهد که تمرین کند ، گذارش و مشورت تهیه می کند و شاگردان را به مواقع حقیقی زندگی قرار میدهد . یک معلم مکتب هم باید همچین باشد .
یک هنر مند مواد را فراهم میآورد قطعه را تصویر و تصنیف می کند ، کاری کند در بخش های مختلف آن ، و انتقادات و نظریه را جمع آوری می کند . معلم هم باید که چنین باشد . مربی ورزش و هنرمند معلمین غیر رسمی اند و چیزی های دارند که میتوان از ایشان آموخت . طرق و شیوة ایشان راه های دیگر اند که بعضی شاگردان میتوانند بیاموزند ، درس را از طرق متداول درسی مثل لکچر ، حفظ کردن و غیره ، آموخته نمی توانند.

مشورت کردن: تمرین کردن پلان درسی با دیگر معلمین .

- آیا درس واضح است ؟
- آیا شاگردان برای خود فکر می کنند؟
- آیا شاگردان سوالات را حل می کنند ؟
- فضای کافی وجود دارد ؟
- وقت کافی موجود بود ؟ آیا از آن لذت بردند ؟
- تدریس چقدر مفید واقع شد .
- آیا معلم مجبور بود که مداخله کند تا موضوع را واضح سازد ؟
- آیا همه فهمیدند ؟
- چطور معلم میتواند بداند که شاگردان میآموزند ؟
- چه موجود است که نشان بدهد که شاگردان می آموزند؟

مبادی و اصول آموزشی

بعضی از اصول مستعد که در خاطر باید داشت و قتیکه ما رول خود را به عنوان معلم ملاحظه می کنیم . خلاصه بعضی از تفکرات در ین موضوع ذیلاً تذکر داده شده است :

1. آموزش یک روند فعال است که آیا گیرنده در میان گذاشتن موضوع یا معلومات با حواس خود، حاصلی با معنی و قابل فهم میگیرد یا نه. شاگرد فعال "Active learner" (کلمه از جان دیوی "jan deuvy") که تاکید آن در این است که شاگرد در ضرورت به انجام دادن فعال می باشد . و اینکه آموزش فقط تابع دانش نیست ، بلکه آموزش در بر گیرنده تماس با جهان و محیط ماحول می باشد .
2. در جریان آموزش ، مردم میآموزند : آموزش متشکل از بنا کردن مفهوم و بنای تصمیمات برای مفهوم می باشد . بطور مثال اگر ما ترتیب اوقات یک سلسله اتفاقات تاریخی را بیآموزیم ، در پهلوی آن همزمان معنی شرح و قایع ترتیب زمانی "chronology" را در میابیم . هر معنی و مفهومی راکه تصور و تفهیم می کنیم ، ما را آماده میسازد تا مفهوم دیگری که دارای چنین کیفیت و ارتباطی است ، مفهوم و معنی بدهیم .
3. فعالیت قاطع کردن و فراهم آوردن مفهوم و معنی عملی، مغزی می باشد : همه در مغز به وقوع می پیوندد . فعالیت فیزیکی و تجارب برای آموختن به دست شاید ضرورت داشته باشد ، مخصوصاً برای اطفال ، اما کافی نیست ، ما باید فعالیت های فراهم بیآوریم که در پهلوی دست مغز را هم در کار بیاندازد ، در . (دیوی این عمل را "reflection activity" یا فعالیت منعکسی می خواند)
4. آموزش لسان را در بر دارد : لسان که استفاده می کنیم ، تاثیر می کند بالای آموختن. در سطح تجربه ، پژوهشگران ملاحظه کرده اند که در جریان آموزش مردم با خود گپ می زنند ، به سطح معمولتر ، مجموعه استدلالاتی توسط ویگوتسکی (vygotsky) موجود است که اظهار میدارد که لسان و آموزش مقید یگدیگراند . و این نکته واضحاً در کار های ایلین گیورین (Elain Gurain) تاکید شده . تمایل به پروگرام و مواد در لسان محلی در بسیاری فرهنگ ها موجود است .
5. آموزش یک فعالیت اجتماعی است : آموزش رابطه نزدیکی دارد در ارتباطات ما همراه دیگر انسان ها ، معلمین ما ، اعمال ، فامیل ما و همچنین آشنایان به شمول افرادی که در نمایشگاه در پهلوی ما و یا پیشروی ما استاده می شوند . اگر این اصول را بشناسیم ، نسبت به اینکه از آن دوری و اجتناب نمائیم.
6. آموزش وابسته به متن می باشد . تا حقایق منفرد و فرضیه ها را نمیآموزیم در یک فضائی روحانی یا خیالی که از بقیه زندگی ما جدا باشد میآموزیم . در کنار چیزهای دیگری که میدانیم ، اعتقادی که داریم ، تبعیض و هراس که داریم برای ما تاثیری می کند. بلافاصله معلوم می شود که این نکته استنباط می کند که آموزش یک عمل فعال اجتماعی می باشد . ما نمیتوانیم آموزش را از زندگی خود جدا کنیم .
7. فرد به آموختن ضرورت دارد : امکان ندارد که دانش تحلیل شود ، بدون اینکه قبلاً بنای از دانش و علم وجود داشته نباشد. تا به آن اضافه شود . هر چه بیشتر میدانیم ، همان قدر توانا تر می شویم تا بیشتر بیآموزیم . بنابراین هر کوششی که به خرچ میرود برای تدریس ، وضعیت دانش جونیوز باید در نظر گرفته شود و در یچه به موضوع از طریق معلومات عقلی ، قلبی دانشجو میسر شود .
8. آموختن وقت میگیرد : آموختن فوراً صورت نمی گیرد . برای اینکه آموزش عمداً صورت بگیرد ، ضرورت است که تفکرات و نظریه ها سنجیده ، آزمایش و استفاده شوند و این اعمال که در پنج یا ده دقیقه در یک نمایش گاه معمولاً سپری میگردد ، صورت نمی گیرد . (و مطمئناً در چند ثانیه که بالای قطعه های نمایش گاه غور و تفکر صورت می گیرد) اگر یک چیز را که آموخته اید در نظر بگیرید ، زود در میابید که آموزش آن حاصل تکرار ارائه و تفکر می باشد . حتی و یا مخصوصاً لحظاتی که به غور و تفکر عمیقتر دقت کنیم در میابیم که انرا در ساعات دراز مدتی که به آن صرف کردیم دنبال کرده میتوایم.
9. انگیزه جزه عمده آموزش است . تنها انگیزه به آموزش کمک نمی کند ، بلکه جز ضروری آن می باشد . این انگیزه چنانچه بیان شده در ادراک راه های که از دانش میتوان استفاده کرد در بر میگیرد .
مثال : به اثبات رساندن هم کاری در گروپ : کتب قصه
روز اول : از شاگردان خواسته میشود تا برای کتاب قصه خواندن تشکل گروپ کنند .
• شاگردان بوریای که توسط والدین شان برای شان آماده ساخته شده بیرون می کنند .

- شش شاگرد بالای هر بوريا می نشینند به شکل نیم دایره
 - گروه ها از مخلوط شاگردان ضعیف و پیشرفته ساخته می شود.
 - معلم به هر گروه کتابی از کتابخانه میدهد .
 - یک شاگرد بلند میخواند و دیگر شاگردان تعقیب می کند.
 - همه شاگردان در خواندن حصه بگیرند .
 - معلم از یک گروه به گروه دیگر میرود تا مطمئن بسازد که گروه ها بشکل منظم وظایف را پیش میبرند.
 - معلم شش سوال برای هر قصه تشکیل میدهد .
- روز دوم :** از شاگردان خواسته میشود که قصه را با اضافه کردن مفکوره های خود شان به اتمام برسانند. قصه ها به واسطه " توپ بازی " تشکیل میآیند.
- یک شاگرد قصه را شروع می کند و چند جمله می گوید ، بعداً خاموش میشود و توپ را به دیگری پرتاب می کند.
 - شاگرد دیگر توپ را گرفته و ادامه میدهد به قصه گفتن .
 - این عمل ادامه می یابد تا اینکه همه شاگردان به انتهای رضایت بخشی برسند.
 - شاگردان تشویق می شوند تا لغات را که میخواهند استفاده کنند .
 - شاگردان تشویق می شوند تا کلمات را که یاد گرفته اند بنویسند.
 - شاگردان بحث می کنند که چرا قصه را ساختند- چه مفکوره هائی به سر شان آمد.
 - شاگردان قصه را مینویسند.
 - معلم بعداً مبیند که هر شاگرد چقدر آموخته است .
 - معلم از شاگردان دعوت می کند که قصه های شان را در اوقات اختصاص داده شده بنویسید ، ثبوت کنند و در میان بگذارند .

فن سوال پرسیدن

- موضوعات کورس را نظربه سوالات ترتیب کنید . محتویات کورس را به شکلی تهیه کنید که پاسخ به سوالات باشد. اگر تمام کورس را میتوانید نظر به سوالات طرح کنید ، از نتیجه آن تعجب خواهند کرد .
- در بخش ذیل مجموعه تجسّسات فراهم آوری شده ، که تذکر میدهد که چطور برنامه آموزشی "curriculum" که با در نظر داشت سوالات تهیه شده ، یک فضای آموزشی تهیه می کند که هر گز کهنه نمی شود و پرسش و باز جویی را تشجیح کند به عوض آموزش معمولی .
- سوالات را به اندازه متناسب استفاده کنید ، یعنی بیبین (5-2) سوال در هر درس
 - سوالات را تجزیه و تحلیل کنید تا آنها را دو باره تکرار نکنید . سوالات را بشکلی تهیه کنید که جواب دادن کوتاه(بلی و نه) اجتناب شود .
 - دروس خود را بشکلی تهیه کنید که شاگردان جواب (چطور و کجا) را از آن بدست آورد.
 - سوالات را به شکل ترتیب کنید که یک سوال منتهی به سوال دیگر نشود.
 - سوالات را به دسترس همه شاگردان قرار بدهید . و یا به دیوار نصب کنید تا همه بیبیند .
 - مطمئن سازید که کتابچه شاگرد موضوع اصلی را مطرح می کند .
 - از شاگردان بخواهید که مفکوره ، نوت ، اجسام فیزیکی تهیه کنند تا آنها را با جواب دادن به سوالات کمک کنند .
 - مطمئن سازید که برای پرسان کردن و مطرح کردن سوالات وقت کافی صرف کرده اند تا شاگرد سوالات عمده را بدانند.
 - دستاير برای ایشان تهیه کنید که نشان بدهد یک جواب مکمل چطور است نه فقط یک جواب بلکه تهیه و پژوهش با کیفیت و ممتاز.
 - سوالات خود را با دیگر استادان در میان بگذارید و د از سوالات و جوابات شاگردان قدر دانی کنید.
- شناختن شاگردان: ایریک ایریکسن، جین پیوجت و ریگیو اینیله .

ایریک ایریکسن: ایریک ایریکسن یک روانکاو ، بیان میدارد سطوح فزیکتی ، احساسات و نمو انسان را به اشکال مخصوص ربط می دهد.

کودک (اعتماد در مقابل بی اعتمادی)

کودک به حد نهایت ضرورت دارد که بدون شک بخود ، به دیگران و محیطه خود اعتماد کرده بتواند . واجب است که یک فضای مملو از غم خواری و مواظبت آماده کرد . یک احساسی که کودک در آن حس کند که در دنیا موجود است و ارزش دارد .

کودک که تازه به راه افتاده (خود مختاری در مقابل شرم و شک)

کودک کار می کند تا محیط فزیکتی خود را بشناسد . در بین حال احترام بنفس خود را نگهدارد . درین سطح کودک می خواهد که یک شخصی کامل باشد ، به جهان آماده است و از اتهام ها و مجازات فوری زود تیر میشود . و این شروع اینست که کودک در میآید که شخصی است و حقوق دارد . در این سطح مهم است به او حق انتخاب بدهید ، البته خبر سازید که قوانین پیروی میشود و وانمود سازید که قدرت به دست بزرگان است .

طفل که آماده می شود برای مکتب (پیشقدمی در مقابل گناه)

طفل در این سطح در امور پیشقدمی میکند ، نه تقلید . اودرک می کند که خودش میتواند فعالیت را آغاز کند بدون اینکه به او گفته شود . طفل شروع به تفریق درست از غلط میکند در بین سطح مهم است که با طفل بشکل آرام با دلیل صحبت شود تا طفل حس معنوی ، سیرت و قضاوت اخلاقی و راستی را پرورش دهد .

طفل با سن مکتبی (ابتکار و پستی)

در بین سطح طفل کوشش می کند که حس ارزش بخود قایل شدن را پرورش دهد . میآموزد که بین قضاوت خود و دیگران فرق قایل شود . از خود سوال می کند که به چه کار خوب است و کیفیت عملش چطور است و درین جاست که طفل فعالیت های مختلف را انجام میدهد تا در یابد که کی است . مهم است که فضای مملو از اعتماد ، تجربوی و جایزه برای کار خوب او آماده سازید . در پهلوی اینکه رقابت را بین شاگردان به اندازه خیلی کم آورده تا حس احترام به خود را در بین شاگردان تحکیم بخشد . کوشش کنید که حس اطمینان و اعتماد را در بین همه شاگردان تقویت بدهید .

نو جوان (اصلیت و اغتشاش نفسی)

درین سطح نو جوان کوشش می کند که نقش های (طفل ، برادرو خواهران ، شاگردان ورزش کار ، کارگر) اختلاط کند . در نقش و تصور خود ، با در نظر داشت دیگر نو جوانان و بزرگتران . در تمام جهان نو جوانی کاری ساده نیست و واقعیت است که نو جوان در مقابل والدین و معلم استاده می شود ، بقصد اینکه در بین ایشان و خود تمیز قایل شود . خود را مقابل خطری قرار دادن ، خطر ناکتر خواهد شد . نقش شخصیت قطعی است در این موقع لازم است که شاگردان نتیجه رفتار و اعمال خود را ببینند . در عین حال توانائی فکری و هوشیشان میشگفت ، بنابراین مهم است که به هوش و ذکاوت ایشان احترام قایل شد .

جوان (صمیمت ، نزدیکی و انزوا)

می آموزد که تعهد به همسر ، والدین و دیگر نزدیکان کند . شاگردان مکتب رو (colloge) شروع می کنند که بدانند کی هستند و چه کرده میتوانند . فکر می کنند در مورد تعهد و روابط طویل مدت و " تعرض و معنی " در خود پیدا می کنند . مهم است که با توجه به ایشان گوش داده شود و به عنوان مسئولین به توانائی در تصمیم گیری ایشان به آنها احترام شود .

بالغ (فعالیت در مقابل رکود)

شخص درین سطح به جستجوی خرسندی بوسیله موفقیت در وظیفه و فعالیت های اجتماعی می باشد .

بزرگ سالی (کمال در مقابله نومی)

فعالیت ها و اعمال خود را مرور می کند ، سروکارش با اتلاف می باشد و آماده به نفا گفتن زندگی می باشد .

جین پیوجیت (1996-1980)

بیولوژیست و روان شناس سوئسی به نوشتن آثار مهم و با نفوذ در مورد انکشاف و پرورش اطفال مشهور است . تیوری او نوشته شده به اساس اینکه طفل در جریان رشد ، ساختمانهای فکری در مغز می سازد - به معنای دیگر " نقشه " مغزی یا شبکه تفاهم برای فهمیدن و پاسخ دادن به تجارب فیزیکی اطراف تشکیل میدهد . پیوجیت بیشتر توضیح میدهد و می گوید که این شبکه های مغزی با رشد اطفال مغلق تر میگردند . همه مهدی که حرکت و تغییر نموده از یک عکس العمل غیر ارادی داخل بدن می شود و گریه کردن با دیگر اعمال پیچیده مغزی انکشاف می یابد .

مباحثه : تیوری پیوجیت چهار مرحله را در انکشاف اطفال مشخص می کند . و این چهار مرحله عبارت اند از :

1. مرحله حسی و حرکتی (از تولد تا دو ساله) کودک یک سلسله حقایق را در مورد محیط اطرافش بوسیله فعل و انفعال با محیطش میآموزد . این مرحله است که طفل نمیداند که اجسام موجود اند ، اگر چه ظاهر آنها را نمیبیند . (ثبات اجسام)
2. مرحله قبل از عملکرد (سنین بین دو و هفت) طفل قادر به ادراک مفهوم های پیچیده نمی باشد ، او ضرورت به دیدن اجسام واقعی دارد تا آنها را درک کند .
3. مرحله عملکرد واقعی (سنین بین هفت و یازده) چنانچه تجارب فیزیکی تجمع می یابد ، طفل شروع می کند که مفهوم کسب نماید با ساختن جملات منطقی که تجربه فیزیکی او را بیان میدارد .
4. مرحله عملکرد سرگرمی (سنین بین یازده و پانزده) در بین مرحله شبکه های فکری طفل به اندازه شخص بالغ رسیده و میتواند که دلایل ادراکی را مفهوم کند . پیوجیت چند قاعده برای شبکه های فکری طراحی کرد . در جریان تمام مراحل پرورش ، با استفاده از این شبکه های فکری طفل محیط خود را تجربه می کند . اگر طفل دو باره به تجربه مواجه شود ، این تجربه به سادگی در شبکه های فکری گنجانیده خواهد شد ، و طفل "تعادل" مغزی خود را نگه میدارد . اگر تجربه تازه و متفرق باشد ، طفل تعادل مغزی را از دست داده و شبکه های فکری او تغییر خواهد کرد . خود را برای حالت تجربه جدید آماده می سازد . بدین طریق طفل شبکه های فکری بیشتر و مناسب تر را فراهم میسازد .

چطور تیوری یا فرضیه پیوجیت به آموختن اثر میگذارد :

برنامه آموزشی - معلم باید یک پلان درسی که نمو و رشد فهم و منطق شاگرد را تقویه و بالا ببرد تهیه کند . دستور : معلم باید نقش مهم تجارب - یا فعل و انفعالات با محیط - که در آموزش شاگرد بازی می کند تاکید کند ، به طور مثال معلم باید نقش مهم که نمایش اجسام در ساختن شبکه های فکری دارند به حساب بگیرد .

ریجیو ایمیلیه :

در سال های آخر طریقه آموزشی که در کودستان های شهر ریجیو ایمیلیه ، ایتالیا مورد استفاده قرار گرفته است ، توجه معلمین ممالک بسیاری را جلب کرده .

عناصر مهم این طریق ذیلاً ذکر میشود :

- روابط و همکاری مستحکم با والدین
- برنامه آموزشی معمول (یک برنامه آموزشی که به اساس میل اطفال ساخته شده است)
- سوالات و مباحثه که سوال حل کردن را تقویه میدهد .

- استفاده مواد مختلف به مقصد انکشاف مفکوره (رنگ ، سفال ، چوب ، مواد رسامی ، سیم ، مواد قابل استفاده دو باره در مکتب و غیره)
 - تقویه دادن حس هماهنگی ، اجتماعی و محققى در بین شاگردان ، کارمندان و والدین .
- اثبات با مدارک : نمایش دادن لحظات مملو از آموزش و فعل و انفعالات اجتماعی اطفال و والدین که در صنف صورت بگیرد. ما از عکس ، نوشته مکالمات بروی کاغذ ، کتاب ها و غیره استفاده می کنیم .

طریقه یا مشی ایجیو الیمیلیه:

طفل در جامعه : این طریق ارزش بسیار بین روابط " مثال همراه فامیل و معلمین میگذارد " همچنین روابط اطفال با محیط مکتب با جامعه ایشان (گاندینی 1993).

ریبکانیو توجه را به رابطه بین طرق ریجیو و جان دیوی جلب میدارد و درین مناسبت وریبکا میگوید که " جان دیوی مشکلات بین از عمل و مفکوره ، حفظ کردن نقش طفل در بین جامعه و در نظر داشتنی نقش مکتب در بنای مجدد جامعه را اظهار داشت " (صفحه 36 ، نیو ، 1994). در ذیل خلاصه این اصول ذکر میگردد . لست ذیل در کانفرانس های مختلف پیشکش گردیده است ، از مقاله اساسات طرق ریجیو رییمیلیه به روال پرورش اطفال توسط لایلا گاندینی .

تصویر یک طفل : نظریه عمده امروز بالای ضعیفی تمرکز کرده است . در ین مدل و یا طرز ، اطفال بعنوان اشخاص قدرتمند ، آماده که دلچسپی به آموزش و بنا کردن تجربه آموزشی خود همراه دارند . بادو باره نگاه کردن به بخش " طفل در جامعه " و روابط اطفال و فعل و انفعال ایشان ، میبینیم که مفکوره یگاسین در میان می آید . چنانچه که میگوید ، اطفال وابسته به فامیل خود ، معلمین محیط اطراف ایشان و جامعه می باشند. به آنها نظریه اطفال و روابطه بین ایشان نگاه می شود " و فعال و تقویت " میآید . (گاندینی 1993)

نقش و الدین : والدین در تمام امور مکتب نقش و اثر دارند پول جمع آوری کردن ، ساختن و اصلاح کردن جامعه ، به صنف حاضر شدن ، و غیره ، در پهلوی اینها والدین میتوانند دست با هم داده و در تهیه کردن آموزش همراه معلمین کمک و همراهی کنند . والدین میتوانند در قسمت برنامه آموزشی نظریه بدهند و همچنین انتقاد کنند. همه عناصر اجتماعی مکتب ریجیو در بر گیرنده فعل و انفعالات متقابله بایکدیگر می باشند . معلمین هر چند وقت با همدیگر ملاقات می کنند و از وضع تدریس یکدیگر خود آگاه گردیده و در مورد تصامیم و پلان از یکدیگر سوال می کنند . در بین معلمین ، والدین و شاگردان باید رابطه بر قرار باشد که انتقاد و اظهار نظریه در امور وظایف موبوطه ایشان قابل پذیرفتن باشد و از یکدیگر سوال کنند که (چرا تو و یا دیگر این طرز العمل را در پیش گرفته اید) مقصد اینست که بهتر است از یکدیگر سوال و اعمال یکدیگر را مورد پرسش قرار بدهیم ، به جای اینکه خاموش بنشینیم و از ترس اینکه مبادا به کار یکدیگر دخالت کنیم ، خاموش بنشینیم . این طریقه رفتار مربوط کارمندان مکتب می شود . والدین باید که در فعالیت ها آزاد باشد که انتقاد کنند بحث کند ، حصه بگیرند و برای حل مسائل منبعی باشند.

یک مکتب دلپذیر : این مربوط به طرح مکتب می شود و آن هم اینکه فضای مناسب باعث تشویق فعل و انفعالات بین معلمین و شاگردان می شود " تشکیل مکاتب ، متقاعد ، روند کار ، فعالیت ها و موضوعات " باید به شکل طرح شود که بازی کن عمده اطفال ، معلمین و والدین را با هم آورده روابط ایشان را توسعه بدهد . (ملوزی 1993)

وقت باید با وقت ساعت تعیین نشود : وقت باید نظر یه سهولت کار شاگردان و " نواخت فردی " معلم تعیین شود (گاندینی 1993)

معلمین بعنوان همکاران : معلمین باید که با شاگردان و با دیگر معلمین مکتب همکار و شریک باشند . معلمین باید که مثال شوند و به نظر کارگاه ، و ایفا گر کارگاه دیده شوند . نقش معلم اینست که سوالات پاسخ بدهد ، بلکه وظیفه ایشان است که شاگردان را کمک کنند در فراهم نمودن پاسخ و کمک نمودن به سوال نمودن . فعل و انفعالات شاگرد با بزرگان ، شاگرد را در روند آموزشی رهنمائی می کند و همین طور شخصی بزرگتر به وسیله شاگرد چیزی میآموزد.

پیشنهاد همکاری اساس یک سیستم : پیشنهاد شده که هر صنف یک معلم و یک معلم دیگر بعنوان همکار و یک صنف مخصوص باشد ، به عوض اینکه در هر صنف یک معلم و یک دستیار معلم باشد و این دو معلم باید که تکراراً بایکدیگر ملاقات کنند ، اتفاقات و موضوعات گذشته را بررسی نموده و در مورد اتفاقات و موضوعات آینده بحث کرده ، آنها را فراهم بسازند . فضای مکتب باید بشکلی باشد که مملو از بحث و مباحثه باشد . معلمین باید آزاده ، بدون اینکه به روابط بین خود صدمه بزنند ، اعمال یکدیگر را بازرسی کنند و مورد پرسش قرار دهند . معلمین باید در موقع ضرورت از یکدیگر کمک و اظهار نظر بگیرند . منابع و مواد درسی را در دسترس یکدیگر قرار بدهند و هماهنگ باشند . برای بهتر ساختن کیفیت درس ، معلمین باید که از طرف دیگر کارمندان مدیریت تحصیلی تقویت یابند تا روابط بین معلمین ، شاگردان و والدین و جامعه تقویت یابد .

برنامه آموزشی معلول: برنامه آموزشی نظر به خواست و میل شاگرد تکراراً ساخته می شوند . معلم خواست و میل شاگرد را در نظر میگیرد و پیشبینی می کند آن میل و خواست شاگرد منتهی به کجا و چه میشود و آن انتها را فراهم میسازد . در عین حال معلم که به دقت گوش بگیرد و ببیند که آیا پیش بینی آن انتهای حاصل مورد نظر قرار میگیرد یا نه . اگر نمی شود باید که جهت کار خود را تغییر بدهند . برنامه بررسی که تحت درسی قرار گرفته شده هم میتواند که معلم اهداف که به اساس خواست و آرزوی طفل ساخته شده پیشبینی می کند و تا اندازه با شاگرد مورد بحث می کند و شاگرد را از مقصد پروژه با خبر می سازد .

استدیوی یا کارگاه هنری: استدیوی با استفاده از " لسان " موسیقی ، گراف ، هنر و غیره " برای طفل کمک می کند تا تفکرات خود را اظهار بدارد . مقصد استدیوی همین است که آن "لسان " را فراهم بسازد ، که طفل تفکرات و نظریه های خود را باز جویی کند . با استفاده از میدنیا (نمایش و غیره) می توانند تفکرات و نظریه های پر معنی و وسیع را پرورش بدهد . به طور مثال ، از روی چیزی رسم کردن ، کاپی کردن شمرده نمی شود ، بلکه دو باره اختراع و روح دادن شمرده می شود . این رسم کردن قسمتی از روزنه تفکری می باشد .

قدرت مستندات (جمع آوری اسناد و سوابق درسی و غیره) مشاهده و مستندات کردن طفل و کار هایش بسیار مهم است . یکی از مقاصد مستندات ساختن آن است که علاقه مندی های شاگرد را مفید و دنبال کرد . بنا برین مستندات کردن می تواند ، برنامه آموزشی انفرادی برای طفل مطابق میل او آماده ساخت . مستندات کردن را همچنین میتوان بعنوان وسیله بکار برد تا والدین را از کار و عمل های شاگردان باخبر ساخت . به طور مثال ساختن آرچیف که تاریخ مکتب را ضبط می کند تا ارتباط مکالمه بین معلمین را بهتر ساخته و همچنین به شاگردان نشان دهد که کارها و مفکوره های ایشان با ارزش است .

شاگردان را رهنمائی می کند به مفکوره و فرضیه ما در مورد معنای تجربه . خلاصه قسمتی از ما خود دارد که میبیند آموزش را در داخل و بیرون از مردم . بعضی از آموزشها را طرح می کنیم و بعضی هم قبلاً طرح شده

طرق آموزش : چطور شما هوشیار هستند ؟

تعریف : این طرز آموزشی تاکید به این می کند هر شخص معلومات را به اشکال مختلف تعریف و مفهوم می کند . این طرز آموزشی توضیح میدهد که مقداری آموزشی که یک شخص می آموزد تعلق میگیرد به شکل و طرز آموزشی او و یا اینکه او " هوشیار و زیرک " است . در حقیقت معلمین نباید که پرسان کنند که " آیا این شاگرد هوشیار و زیرک است ؟ " بلکه باید پرسان کنند " چی طرز و شیوه این زیرک و هوشیار است " .
مبحث : مفهوم طرق آموزشی ریشه گرفته از تقسیمات اشکال روانشناسی . تیوری یا قضیه طرق آموزش اساس گرفته از ریسرچ های که ثبوت می کنند به اثر نتایج و صعوبت محیطی ، اشخاص مختلف معلومات را به اشکال مختلف افهام و تفهیم می کنند ، و این اشکال مختلف افهام و تفهیم ذیلاً تقسیم بندی شده است :

اشخاص که می‌آموزند بوسیله تجارب مستقیم مثلاً با کار کردن ، حس کردن و غیره . و اشخاص که می‌آموزند معلومات را درک می‌کند بوسیله تجربه ، ملاحظه و تفکر . اشخاص که می‌آموزند یک تجربه را وقتیکه آنرا استفاده می‌کند و اشخاص که مفهوم به یک تجربه می‌دهند با غور و تفکر کردن بالای آن . روند طرق تدریس معمولاً به طرزى که اول بیان شد می‌باشند .

چطور طرز آموزشی بر تحصیل اثر میکند

برنامه آموزشی – معلمین باید که به احساس ، دانش و تصورات به تجارب معمولی تاکید کنند مثل تجزیه ، دلیل ، تجربه و حل مسایل .

دستور – معلمین باید دروس خود را بشکلی طرح کنند که با چهار شکل آموزشی متصل گردد ، با استفاده از مخلوط تجربه و انعکاس مفهوم برداری . معلمین میتوانند عناصر مختلف تجاربی را به صنف فراهم آورند ، مثل صدا ، موسیقی ، تصویر ، حرکت ، تجربه و گپ زدن . ارزیابی – معلمین باید برای تقویه و انکشاف دادن ظرفیت کامل مغز و هر طرز آموزشی طرق مختلف ارزیابی را استفاده کنند .

تفکر از طرف راست و یا چپ مغز

تعریف : این فرضیه پیشنهاد می‌کند که دو بخش مختلف مغز کنترل را به عهده دارد و همچنین هر شخص یک شیوه یا طرز را بر دیگر ترجیح میدهد .

مبحث : تجارب نشان داده که دو طرف مغز سر مسئول تفکرات مختلف می‌باشد . فرق ها را ذیلاً ننکر می‌دهیم :

قسمت راست مغز	قسمت چپ مغز
پلان ناشده ، بدون ترجیح	منطقی
مفهوم از خود	با ترتیب
مرکب	با مفهوم
کلی ، تمام	تجزیوی
به اساس احساسات	واقعی
توجه به کل	توجه به بخش ها

بیشترین اشخاص یک شکل از اشکال مذکور را ترجیح میدهد . بعضی ها با هر دو تطابق پذیر هستند . مکاتب طرز تفکر طرف چپ مغز را ترجیح میدهند . موضوعات آموزشی برای طرف چپ مغز تمرکز می‌کنند . تفکر منطقی ، تجزیه و درستی و موضوعات آموزشی طرف چپ در بر می‌گیرد احساسات ، زیبایی ظاهری و مهارت اتکاری به طرف راست مربوط می‌شود .

چطور پژوهش طرف راست مغز و طرف چپ مغز بالای تحصیل اثر می‌کند

برنامه آموزشی – بمقصد اینکه مکاتب از تمام مغز استفاده بکنند ، باید که حق مساوی به طرف راست چپ مغز بدهند و ، هنر ، مهارت اتکاری و تصورات تقویه بدهند .

دستور : بمقصد اینکه از تمام مغز استفاده شود ، معلمین باید طرز تدریسی را استفاده کنند تا هر دو طرف مغز را با هم وصل کنند . و آنها میتوانند که فعالیت های که اعمال طرف راست مغز را تقویه میدهد ، به صنف اضافه کنند ، مثلاً علاوه کردن حرکت ، اعمال نمایشی ، نقش بازی کردن و غیره در خواندن کتاب ، حساب کردن و اعمال تجربوی و تفکری .

ارزیابی: برای بهتر درست ارزیابی کردن آموزش شاگرد ، معلمین باید که طرق ارزیابی ، تشویق و پرورش را انکشاف بدهند .

هوش یا زیرکی متعدد : نشان دادن زیرکی :

آیا زیرکی و یا هوش طبعی است ؟ ارسی؟ تعیین شده ؟ اخیراً نظریه جدیدی میگوید که "intelligence" و یا زیرکی را میتوان به طرق مختلف اندازه کرد ، و آنرا پرورش داد و اینکه زیرکی بیشتر کیفیت است نسبت به مقدار .

در گذشته سوال میکردند که " آیا او هوشیار است ؟" حالی سوال می شود که " او چطور هوشیار است " مقصد در این جا تاکید به اشکال مختلف است که ما میتوانیم بجای یک ذکاوت، ذکاوت متعدد را ثبوت کنیم . توضیحات و تمرین بالا ذکر شده که ذکاوت متعدد را وسعت فراهم میسازد .

آورد گاردنر (Howard Gardner) از هفت ذکاوت یا هوش را فراهم نمود . دو تای اول آن در مکاتب بسیار تاکید می شود : سه دانه بعدی معمولاً به هنر مربوط می شوند ، و دو دانه آخر آن ، چنانچه آورد گاردنر می گوید " ذکاوت شخصی " می باشد .

ذکاوت لسانی ، در بر گیر حساسیت به لسان و نوشتن لسان ، توانائی آموزشی لسان و ظرفیت اینکه بتوان از بمقصد فراهم آوردن اهداف مخصوص لسان استفاده کرد . این ذکاوت توانای را که بتوان لسان را استفاده کرد در برمیگیرد در بیان کردن خود به شکل ساده و یا شاعرانه و استفاده از لسان به قصد یادآوری معلومات . نویسندگان ، شاعران ، حقوق دانان و نطاقان از جمله اشخاص می باشند که آورد گاردنر آنها را به جمله اشخاصی می شمارد که دارای ذکاوت لسانی می باشند .

ذکاوت موسیقی : قابلیت های نمایش گری، کمپوز و احترام بخشیدن به نظم موسیقی را در برمیگیرد . و همین طور در بر گیرنده قابلیت های میباشد برای شناختن و کمپوز کردن موسیقی . نظر به آوردگاردنر ، ذکاوت موسیقی به مثل ذکاوت لسانی به یک سمت روان اند .

ذکاوت حرکی جسم : در برگیرنده قابلیت می باشد که شخص برای حل مسئله تمام جسم و یا قسمتی از آن را استفاده می کند ، این توانائی است که میتوان در هماهنگی حرکات جسمی قابلیت مغزی را استفاده کرد .

آوردگاردنر اعمال فزیک و مغزی را بایکدیگر ربط میدهد .

ذکاوت منطقی - حسابی : در بر میگیرد ظرفیت تجربه منطقی مشکلات ، استفاده کردن مسائل حساب و باز رسی عملی موضوعات . مطابق به آوردگاردنر ، این در برگیرنده قابلیت پیشبینی نظم ، دلیل گفتن و منطقی فکر کردن می باشد . این ذکاوت معمولاً به طرز تفکر حسابی و علمی ربط داده می شود .

ذکاوت موجودیت در فضا : در بر میگیرد توانائی شناختن و استفاده از نظم و ترتیب فضا و محیط محدود .

ذکاوت آشنائی و شناختن مردم : در بر میگیرد قابلیت شناختن و مشخص ساختن مقصد ، پلان و به مردم اجازه میدهد که با هم دیگر بشکل مفید کار کنند . معلمین ، فروشنندگان، رهبران سیاسی و دینی و سفیران ضرورت دارند تا این ذکاوت را داشته باشند .

ذکاوت آشنای و شناختن خود : در بر میگیرد شناختن خود شخص ، احساساتش ، هراس و مقاصدش . بنطریه آوردگاردنر این ذکاوت در بر گیرنده این است که کار خودی مفید شمرده شده و معلومات را برای ترتیب و نظم دادن زندگی خود استفاده کنیم .

در کتاب خود "forms of mail" آوردگاردنر ذکاوت متعدد را ، بخاطری روابط نزدیک شان با هم دیگر در بیشترى فرهنگ ها به عنوان یک تکه خواند . به آن هم آوردگاردنر میگوید که بهتر است دو شکل ذکاوت شخصی را مورد نظر قرار داد . او میگوید که این هفت ذکاوت بسیار کم مجزا از یکدیگر کار می کنند . از همه در یک وقت استفاده می شود و معلوم می شود که یکدیگر را تکمیل می کنند ، چنانچه اشخاص مهارت و حل مسایل را پرورش میدهند .

به طور خلاصه گاردنر میگوید که ذکاوت متعدد را به دو بخش مهم می توان توضیح کرد .

1. فرضیه یا تیوری مبحثی از تفکر انسانی بطور کل می باشد . ذکاوت های متذکره یک معنی به طبعیت انسان از نظر تفکری فراهم میآورند . انسان ها ارگان ها و یا اجسامی هستند که دارای یک سط ذکاوت می باشند .

2. اشخاص ذکاوت های مختلف دارند . گاردنر می گوید که در استفاده از این ذکاوت ها به مشکل هم مواجه می شویم . سوال این است که چطور بیشترین سود را از این ذکاوت های مختلف بگیریم . همچنین ، چنانچه آوردگاردنر میگوید ، این ذکاوت ها مطلق نبوده و می باشد ، از آنها میتوان به شکل مثبت و یا منفی استفاده کرد و یا آنها را پرورش داد .

ذکاوت احساساتی

پژوهش‌ها به اساس آموزش مغز پیشنهاد می‌کند که صحت احساسات بسیار مهم است و در آموزش موثر است. نظر به گذارشی (National center for clinical in fort program) یا مرکز ملی برای پروگرام های کلینکی اطفال، عنصر مهم موفقیت شاگرد در مکتب این است که بیاموزد چطور و به چه طرق میتواند بیاموزد. (ذکاوت احساساتی، صفحه 193). و نکات مهم این مفهوم ذیلاً ذکر میگردد:

اطمینان

کنج کاوی

قصه داشتن

کنترول خود

ارتباط داشتن

ظرفیت به مکالمه

قابلیت به همکاری

کیفیت های متذکره همه بخش های ذکاوت های احساساتی می باشند. خلاصه هر شاگردی میآموزد که چطور بیاموزد، در مکتب موفق تر می باشد. ذکاوت احساساتی ثبوت شده که بهتر تعیین کننده موفقیت آینده می باشد نسبت به IQ، نمرات مکتب و دیگر امتحانات. مفکوره ذکاوت احساساتی در مکاتب، کمپنی ها، و پوهنتون ها مورد پسند قرار گرفته، طوری که پژوهش در مورد آن و برنامه آموزشی مطابق آن طرح می شود. پژوهشگران به این تصمیم رسیده اند که اشخاص که احساسات خود را تحت کنترول خود دارند و به شکل درست با احساسات دیگران رفتار می کنند، زندگی خوبتر و آرام تری دارند. بنابراین افرادی که خوش هستند در زندگی خود، ساده موثر تر معلومات را آموخته و جذب می کنند، نسبت به اشخاصی که خوشحال نیستند. بنا کردن و فراهم آوردن ذکاوت احساساتی اثر عمری دارد. بسیاری از والدین، معلمین از بالا رفتن سطح خشونت در مکاتب اطفال نگران شدند - کمی احترام به خود و استفاده مواد مخدر و الکول تا تکالیف روحی و آنها کوشش میکنند که درس بدهند به شاگردان مهارتی ضروری برای ذکاوت احساساتی را تدریس کنند. همچنین در شرکت ها و کمپنی های آموزشی ذکاوت احساساتی کارمندان با یکدیگر کمک کرده بهتر و یا زود تر کار کنند. این کار مفاد کمپنی را بالا می برد.

پلان درسی تهیه کردن: توسط طرح

عنوان بخش درس: -----

قسمت اول: نتایج خواسته شده

مفهومات: شاگردان از این بخش درس چه خواهند آموخت (موضوعات عمده) ی؟ " شاگردان خواهند آموخت که

"-----

سوالات مهم: چه مباحث و سوالاتی تفکرو هوش شاگردان را به سوی موضوعات عمده این بخش تحریک و رهنمائی می کند؟

دانش و مهارت ها: چه عناصر دانش و مهارت برای انکشاف دادن افهام و تفهیم ضروری است؟

قسمت دوم: ارزیابی اسناد و شواهد.

چه شواهد برای تعیین کردن اینکه افهام و تفهیم مطابق میل فراهم شده و یا نه جمع آوری خواهد شد و اینکه

مهارت ها و استاندردت رسیده شده یا نه؟

(تمارین و کار را با استفاده از موادی مثل ملاحظات، امتحانات کوچک و غیره تحمیل کنید)

وظایف و مسئولیت های آموزش

چه ترتیب اعمال و فعالیت های آموزشی شاگردان را توانا میسازد که افهام و تفهیم و مقاصد مورد نیاز را نشان بدهند؟

درس اول :

درس دوم :

درس سوم :

درس چهارم :

درس پنجم :

آموزش به اساس اشکال و پرابلم

آموزش به اساس اشکال طرز آموزشی است که تمرکز میآید به اطراف " یک پرابلم " یک باز جویی و یا یک جنجالی که دانش آموز میخواهد حل کند . " مشخصاً " ، عبارت " آموزش به اساس اشکال و یا پرابلم " در برنامه آموزشی که تمرکز آن بالای پرابلم است ، نه نظم استفاده می شود .

این نوعی آموزش در مکاتب طبی بوجود آمده . این روش به مقصد بهتر ساختن تحصیل طبی توسط تغییر دادن موضوع از بر نامه آموزشی " لکچر ، lecture " به یک برنامه آموزشی وسیع تر که مشکلات واقعی زندگی را در بر میگیرد پرورش یافت . این نوعی آموزش در تمام جهان ، در بخش های مهندسی ، حساب ، انجینری ، کار های اجتماعی و تجارب ، در سطح های بلند آموزشی استفاده می شود .

اگر چه استفاده کردن از تکالیف و پرابلم ها به عنوان تحرک کننده آموزشی توسط معلمین بقصد تشویق کردن شاگردان به آموزش قبلاً استفاده شده . یک برنامه آموزشی به اساس تکالیف بسیار فرق دارد از آموزش معمولی که اساس آن یک موضوع می باشد .

مشخصات برنامه آموزشی به اساس تکالیف از این قرار است :

- آموزش تجموعی – یک موضوع تماماً در یک وقت آموخته نمی شود ، بلکه تکراراً روی موضوع رفته و سطح پیچیدگی آنرا در جریان مدت درسی افزایش دهید .
- آموزش کاملتر – موضوعات به اساس ارتباط و ربط شان به تکلیف و موضوع قبلی تدریس شود .
- پیشرفت در آموزش – چه و چگونگی آموزش شاگردان تغییر می کند ، چون شاگردان مهارت ها و علم جدید می آموزند و بالغ تر می شوند .
- توافق و سازگاری در آموزش – اهداف آموزشی به اساس تکلیف در تمام جنبه های تدریس و آموزش منعکس گردیده ، به اضافه فضای آموزشی در صنف و تمرین های ارزیابی . قواعد آموزشی به اساس تکلیف عناصری را در بر میگیرد که در آموزش بزرگتر ها داخل است : بطور مثال شاگردان دانش موجوده را برای آموزش بیشتر و جدید استفاده می کنند و به عوض اینکه تازه و بدون داشتن معلومات قبلی شروع به آموزش کنند . روند باز جویی باعث خود آموزش مستقیم می شود : شاگردان میآموزند که چطور بیاموزند تا آنها بهتر بتوانند حل مسائل را در کار و در جامعه عملی کنند .

آموزش مربوط به موضوع

تعریف : ترتیب کردن برنامه آموزشی بالای موضوعات: تدریس با استفاده از طرز مخلوط کردن اعمالی مثل خواندن از کتاب ، نوشتن ، ریاضیات و ساینس را همراه انکشاف های وسیعی تر ، مثل جامعه ، استفاده از انرژی ، جنگل های بارانی ، رودخانه ها و غیره می باشد .

عناصر اساسی : این نوعی آموزش تشویق می کند که اشخاص بهتر بیاموزند ، اگر محتویات آموزش ارتباط با هم دیگر به شکل کلی گرفته باشد آنها میتوانند محیط اطراف شان ارتباط دهند با چیزهای که آموخته اند .

تشویق نمودن نمایش برگذاری و ارائه دادن نمایش و مقاله : بخاطر که این نوعی دستور و آموزش ایجاب به ساختن پروژه می کند ، معمولاً شاگردان در ان نمایش و یا برنامه برای مکتب و جامعه خود بر گذار میدارند . و معمولاً شاگردان مواد موبوط موضوع را به نمایش میگذارند . آموزش موضوعی میتواند وسیله قوی برای دو باره تکمیل بخشیدن به بر نامه آموزشی باشد ، طوریکه آموزش متمرکز به نظم و محدود را رفع کرده و به عوض آن

آموزش تمرکز به تجربه و عمل دارد. البته در ابتدا کار و پلان گذاری زیادی ضرورت دارد به علاوه اینکه بنا کردن روابط معلمین و تقسیم اوقات صنفی به وجود می آید.

بهتر ساختن کار شاگردان

ما طبیعت آموزش را و اینکه آنرا تقویت بدهیم بحث کردیم. در بخش ذیل ما بحث می کنیم که چطور سطح مهم هر شاگرد را تعیین کنید. سطح ذکاوت ایشان را دیده و مطابق به آن دروس را پلان باید کرد:

1. دانش – مرتب کردن، تعریف کردن، کاپی کردن، برچسب زدن، لست ساختن، به حافظه سپردن، نام، شناسائی، بخاطر آوردن، تکرار کردن، دو باره تولید کردن، بیان داشتن.
2. افهام و تفهیم – طبقه بندی کردن، اظهار داشتن، بحث کردن، توضیح دادن، مشخص کردن، نشان دادن، نشان دادن موقعیت، شناختن، گزارش دادن، دوباره تولید کردن، انتخاب کردن، توجه کردن.
3. کار برد و استفاده – بکار بردن، انتخاب کردن، ثبوت کردن، تقسیم بندی کردن، به نمایش در آوردن، استعمال کردن، تفسیر کردن، تمرین کردن، برنامه ریزی کردن، گراف کشیدن، حل کردن، استفاده کردن، نوشتن.
4. تجزیه – تجزیه، تخمین کردن، حساب کردن، طبقه بندی کردن، مقایسه کردن، برابر کردن، انتقاد کردن، فرق گذاشتن، تبعیض قائل شدن، امتحان کردن، تجربه کردن، پرسش کردن و ارزیابی کردن
5. ترکیب و اختلاط: ترتیب دادن، گرد آمدن، جمع آوری کردن، کمپوز کردن، ساختن، بنا کردن، طرح کردن، پرورش دادن، فرمول بندی کردن، برپا و با هم گذاشتن، پلان کردن، آماده ساختن، پیشنهاد کردن، برپا کردن و نوشتن.
6. ارزیابی: ارزیابی کردن، استدلال کردن، تقویم کردن، ضمیمه ساختن، انتخاب کردن، مقایسه کردن، دفاع کردن، تخمین زدن، قضاوت کردن، پیشبینی کردن، ارزش دادن، هسته و اساس، تأیید کردن

با در نظر گرفتن نکات بالا شما می آموزید:

1. طرح بر نامه آموزشی که نتایج دلخواه را فراهم کند.
2. رهنمون که کار های مختلف شاگردان را مثل مهارت در امور درس و یا عملی کردن دروس آموخته شده در امور زندگی را ارزیابی کند.
3. ارزش پرتفولیو "portfolios" و اینکه چطور آنرا فراهم آورد تا هر شاگرد، والدین و معلمین کار های شاگردان را ببینند به عوض اینکه فقط آنها را توسط امتحان شان بشناسند.
4. چطور آموزش به اساس تکلیف فراهم آوریم تا هر شاگرد پیشرفت خود را ببیند.
5. استفاده از الگو "templates" برای ارزیابی تمارین.

مثال های ارزیابی

1. پرسان کردن که چه میدانیم؟ چه میخواهیم که بدانیم؟ راه های اند که میتوان شاگردان را ارزیابی کرد که چقدر میدانند و آموخته اند.
2. جرنال ها و یا یاد داشت های شاگرد را مقایسه کنید. (یادداشت نامه قبلی و جدید را) اگر سوالی در مورد درس های گذشته ذکر شده، دو باره جداً روی آن رفته و با استفاده از معلومات جدید ارزیابی شود که، حال شاگرد چطور میتواند که به آن سوال پاسخ بدهد.

مثال های بیشتر:

در پهلوی طرق ارزیابی که قبلاً تذکر یافت، معلمین میتوانند، اشکالی دیگری ارزیابی را هم بکار ببرند. ارزیابی بعد از درس " امتحانات لابراتوری" توضیح دادن نتایج " لابراتوری توسط شاگردان را در بر می گیرد. میتواند که فهم شاگرد را در موضوعی درس اشکار سازد. تجارب تکراری که در جریان صنف را استفاده شده میتوان از شاگرد ارزیابی کرد و اینطور پیدا کرد چقدر آموخته است. با استفاده از مواد شاگرد میتواند که مودل و یا طرح عنوان مورد مطالعه را ترتیب دهد، به طور مثال یک حجره بدن. شاگردان باید تنها و یا با شاگرد یگر تجربه را انجام دهند.

اعمال مثل نمایش دادن و به نمایش گذاشتن کار های هنری شاگردان و غیره میتواند فهم و دانش آنها را اشکار بسازد و معلم میتواند تمرین و آمادگی شاگردان را ارزیابی کند. برای این نمایش ها بعضی ارزیابی آنها به موقع که خود نمایش اجرا میشود در مقابل حضار ارزیابی بعداً صورت گیرد.

نکاتی که باید مورد نظر گرفته شود : وقتی که ارزیابی دیگری را استفاده می کنید ، اول شکلی ساده تر و کوچکتر را استفاده کنید . به طور مثال امتحانی چندین جوابه را استفاده کنید ، بدون دادن و یا فراهم نمودن جوابات تا شاگردان را مانع شود که هر جوابی که در فکر شان می آید و یا به آن آشنا استند انتخاب کنند .

به نکاتی توجه کنید که میتوانید تفکر و آموزش شاگردان را ارزیابی و پیدا کند .

به قواعد مکتب یا بند باشید . سیستم نمره دادن به شاگردان باید قابل تغییر با سیستم مکتب باشد .

پرتفولیو "Portfolios"

وقتی که ما کلمه پرتفولیو را میشنویم ، ما معمولاً یک هنرمند را که حمل می کند تصور میکنیم و کیف بزرگی از کار های هنری خود را و یا تجاری که اوراق خود را در یک بکس حمل می کند .

پرتفولیو تحصیلی همچنین وسیله قوی برای ارزیابی می باشد، و دارای اسناد کار های عمده شخصی ، موفقیت ها ، سوالات و غیره اسناد و سوابق مهم است شواهد و اسناد بهتر نشان دهنده دانش و فهم شاگردان نسبت به امتحانات میباشد . و همچنین بهتر نشان دهنده انیکه برای بهتر شدن نیاز به چه دارند.

در پرتفولیو چه موجود خواهد بود ؟

1. نمونه های کار های عالی ، سلسله کار ها و کار های ممتاز .
2. نمونه از هر موضوع درس و یا پاسخ به یک سوال پیچیده و با مفهوم .
3. نمونه از کار نشان دهنده پیشرفت و ارزش کورس ها در پرورش شاگرد .
4. اندیشه شاگرد در مورد خود او- چرا شاگرد چنین انتخاب کرد و او افعال و کار های خود را چطور میبیند ، و او میخواهد که چه بکند تا عمل و پیشرفت خود را بهبود بسازد .

پرتفولیو و سوالات خوب

سوال خوب که در برگزیده موضوع اصلی درس می باشد. آمیختن با پرتفولیو هر شاگرد و یا تیم از شاگردان میتواند که پیشرفت شاگردان را نشان بدهد .

1. چقدر خاکروبه در یک منطقه و یا سرک در جریان یک روز تولید می شود ؟ شاگردان باید که تمام خاکروبه های که در جریان 24 ساعت میسازند ، جمع آوری کنند و طبقه بندی کنند آنها را نظر به خطری که به محیط وارد می کند تقسیم بندی کند . بعداً شاگردان باید یک اعلانی تهیه دارند تا مردم را از اصول درست دور انداختن خاکروبه های ایشان با خبر سازند.
2. یک تراکتور از کار افتاده . چرا ؟ چطور میتوانیم آنرا بکار بیاندازیم و از آن استفاده کنیم ؟ آیا به این می ارزد که بالای آن کار کنیم و آنرا ترمیم کنیم ؟ بعضی تراکتور چی را میتوان استفاده کرد که کار مورد نظر را به اتمام برسانیم ، بدیگر چه مقصدی میتوان تراکتور کهنه را بکار برد و اگر میخواهیم که آن را به دور بیاندازیم ، بکجا میتوانیم آن را بدور بیاندازیم ؟

مثال های پرتفولیو

پرتفولیو میتواند عناوین ذیل را در بر داشته باشد :

1. عناوین
2. یک خطی که محتویات را توضیح دهد از طریق شاگرد به معلم .
3. برداشت های شاگرد از کار ها و فعالیت هایش.
4. بهترین کار و دست آورد شاگرد و دلیل اینکه چرا شاگرد آن را به عنوان بهترین کار انتخاب کرده است .
5. کار ها و فعالیت های شاگرد که شاگرد از آن ها ناراضی است و دلیل اینکه چرا از آنها ناراضی است .
6. کارها و دست آوری های که بیشترین پیشرفت را حاصل نموده است .
7. پلان و تصمیم شاگرد برای بهتر ساختن روند آموزش و درس او.

پرتفولیو نشان دهنده کار های انفرادی شاگرد می شود و میتواند که اشکال مختلف را بگیرد و باید که موضوعی فرهنگی شاگردان را هم در بر داشته باشد . عناوین ذیل را در نظر بگیرید و ببینید که شاید این موضوعاتی باشند که میتوان تحت نظر داشت :

نمایش موزیم

تاریخ زبان

اسناد و ثبت کارها و نمایش

کتابچه خاطره

سرودها

قصه ها

رقص

مراسم روحانی و مذهبی

قلم

رسامی

ملاقات ها

رسامی و کار های هنری که از سه محاذ نشان داده شده .

معلم است که یک قریه را پرورش میدهد

بیشتر از 95 میلیون معلم در سراسر جهان موجود است . ما معلمین وسیعی ترین انستیتوت گروپ از مردمی که آموزش حرفوی دیده اند تشکیل میدهیم . ما وسیله هستیم که جهان را حرکت میدهیم ، قوه جامعه را به هم آورده و آینده را تشکیل می دهیم . ضرب المثل افریقای است که میگوید : یک قریه ضرورت است که اطفال را پرورش دهد . همین ضرب المثل در جامعه ما چنین است ، " معلم است که قریه را پرورش میدهد " معلمین موظفین و نگهبانان اند . آنها باید که موضوع ، اطفال و محیط را بشناسند که آینده شاگرد را تشکیل میدهد . صد ها راه وجود دارد که یک معلم میتواند قریه را پرورش بدهد . معلمین بدون سرحد "teachers out side of border" در کورس آموزشی با شما این کورس ها را تقدیم می دارد .

چند مثال : صحت و مکاتبه

حقایق زندگی : پیغام های ذیل از " حقایق زندگی " یونسکو "UNESCO" گرفته شده .

1. صحت زنان و اطفال را میتوان بهتر ساخت اگر تولد اطفال دو سال از هم فاصله داشته باشد ، وقتیکه حامله گی قبل از سن 18 و بعد از سن 35 صورت نگیرد و وقتیکه زن بیشتر از چهار دفعه دیگر حامله نشود .
2. تمام زنان حامله باید که متخصص امراض زنانه و پرستار را ببیند ، باید که عمل زایش با کمک شخصی متخصص صورت گیرد . خانم حامله و فامیل او باید که تمام علایم و نشانه خطر را در جریان حاملگی بشناسند و باید که آماده باشند تا کمک تخصصی فوراً فراهم بسازند .
3. از لحظه که اطفال به دنیا می آیند شروع به آموزش می کنند . آنها به بهترین و عالیترین وجه بزرگ و آموزش خواهند یافت اگر به ایشان توجه ، عاطفه و تحریک نشان داده شود ، البته در پهلوی غذای خوب ، و صحت کامل . تشویق کردن اطفال به مشاهده کردن ، خود را اظهار داشتن ، به بازی کردن و اکتشاف ، آنها را در آموزش و پرورش اجتماعی ، جسمی و فکری کمک میکند .
4. شیر مادر تنها غذای است که طفل در جریان شش ماه اول زندگی ضرورت دارد و بعد از آن ضرورت به دیگر غذا در پهلوی شیر مادر دارد .
5. غذای نادرست و ناکافی در جریان حاملگی و در جریان پرورش طفل تا سن دو سالگی باعث آهسته کردن و کم کردن پرورش جسمی و مغزی طفل خواهد شد و اثر آن عمری خواهد بود . در جریان دو سال اول طفل باید که هر ماه وزن شود . اگر طفل هر دو ماه وزن نگیرد ، حتماً خلانی موجود است .
6. در جریان سال اول هر طفل نیاز به یک سلسله واکسین دارد تا آنها را از پرورش نادرست ، امراض ، ناتوانیهای جسمی حفظ کرد . حتی اگر خانم حامله واکسین شده و مصونیت دارد باید که با کار مندان صحت به تماس شود . هر خانم حامله باید که از تیتانوس حفظ شود .

7. یک طفل که مبتلا به اسهال است باید که آب صحتی فراوان بنوشد - شیر مادر ، آب میوه و یا "ORS". اگر اسهال خونی و یا رقیق می باشد ، طفل مواجه به خطر می باشد و باید که به داکتر و یا مرکز صحتی برده شود .
8. بیشترین اطفال که سرفه می کنند و ریزش کرده اند ، معمولاً طبیعتاً صحت خواهند یافت ولی اگر طفل که سرفه می کند ، نفسک میزند و یا مشکل نفس می کشد ، این طفل در خطر است و باید که فوراً به مرکز صحتی برده شود و معالجه فوری شود .
9. از امراض زیادی میتوان جلوگیری کرد استفاده از روش صحتی - استفاده کردن از تشناب و یا مستراح صحتی ، شستن دست ها با آب و صابون تکراراً ، بعد از استفاده مستراح و سرو کار داشتن با غذا ، پوشاندن مواد فاضله ، استفاده آب از منبعی پاک و نگهدارن آب و غذا در میحط پاک .
10. ملریا که توسط گزیدن پشه منتقل می شود، کشنده است و هر جای که پشه زیاد است باید در پهلو مواد حشره ک از پشه خانه استفاده شود . هر طفل باتب باید که معاینه شود توسط متخصص و خانم حامله باید که تابلیت ضد ملریا بگیرد ، البته تحت نظر داکتر .
11. مرض ایدس "Aids" کشنده است ، اما قابل جلوگیری است. ویروس HIV میتواند باعث مرض ایدس شود ، از شخصی به شخصی توسط عمل جنسی بدون جلوگیری و یا استفاده نکردن از کاندوم "condom" تزریق خون الوده استفاده از سرنج و سوزن الوده ، (معمولاً توسط سرنج سوزن های که مواد مخدر تزریق می گردد) انتقال میآید. و از یک خانم مبتلا به طفل او در جریان حامله گی و تولد و یا شیر دادن . برای هر شخص مهم است که در مورد ایدس و ویروس HIV و جلوگیری آنها آشنا باشد . خطر این مرض را میتوانیم با استفاده از ارتباط جنسی صحیح کم کرد . خانم های که مبتلا اند و یا در معرض مبتلا شدن به این مرض اند ، میتوانند که با یک متخصص مراجعه کرده و معلومات حاصل نمایند تا صحت خود را حفظ کنند و اگر حامله اند صحت و زندگی طفل خود را هم چنین حفظ کنند .
12. اگر حادثه ناگوار و ناگهانی اتفاق بیافتد ، اطفال باید که توجه صحتی فوری در یافت نمایند ، طور مثال واکسین سرخکان و مواد تغذیوی . در مواقع فشار زیاد ، بهتر است که مواظبت از اطفال توسط والدین و یا خویشاوندان صورت گیرد و در این مواقع شیر دادن از پستان مادر بسیار مهم است .

مکاتبه موثر

- راه های زیادی وجود دارد برای مکاتبه ، ولی اگر از شخصی کار میکند در جامعه و یا همکاری می کنید بارهبران ، پیغامی آماده میسازید تا تقدیم مردم گردد ، همه اینها دارای یک اصول می باشند :
- در یابید که ضرورت دارد به حقایق که در بالا ذکر شد و پیدا کن که وضعیت زندگی ایشان ، لسان ایشان ، رسوم و رواج ایشان و سطح دانش ایشان چطور است . به این طریق شما میتوانید که در یابید که چه پیغام های بیشتر مربوط ایشان ، قابل فهم و قابل اجرا و قبول ایشان است .
 - وقتیکه ترجمه و یا تعدیل میکنید پیغامی را ، باید که به زبان ساده و قابل فهم انرا تقدیم مردم کنید . پیغام را پر از کلمات تخنیکی و پیچیده نکنید . اگر پیغام تعدیل شده ، درستی آن باید که تحقیق شود .
 - مطمئن سازید که حضار معلومات را افهام و تفهیم می کنند و میدانند که چطور به آن عمل کنند . و به این هدف میتوان رسید اگر نمونه از پیغام و دیگر مواد موبوط آن در دسترس والدین و پرستار قرار گیرد و از آنها سوال شود . موضوع و یا پیغام را مورد بحث قرار داد و از آنها خواسته شود تا در ساده ساختن و قابل فهم ساختن پیغام کمک و نظریه ها ایشان را ارائه کنند .
 - و پیغام را مرتبط و مطابق زندگی مردم بسازید . راه های در یابید که میتوان پیغام را دلچسپ و پرمعنی به هر منطقه بسازید ، به طور مثال ، نمونه های از خود منطقه بدهید .

- راه مکاتب را استفاده کنید که بیشترین موثریت را بالای حضار دارد . توجه به راه مکاتبه موجود کنید و به هر امکان از آنها استفاده کنید. تنها از یک منبع مکاتبوی (نتها رادیو و تلویزیون) استفاده نکنید ، بلکه از چندین راه های مکاتبوی را استفاده کنید تا پیغام از راه های مختلف و تکرار به حضار و شنونده برسانید و اقسام این مواد مکاتبوی در ذیل بیان شده است .
- آگهی نامه ، اعلان ، کست تایپ ، نشریه ، رساله ، ویدیوکست ، چارت ، اعلانات توسط بلند گو و غیره :
- رادیو ، تلویزیون ، روز نامه ، مجله غیره :
- توسط رهبران ، سخنوران ، کارمندان صحی ، سازمان ها ، معلمین مکتب ، کارمندان دولت و غیره .
- معلومات و پیغام را تکرار کنید تا آنرا دو باره مجسم ، واضح سازید .

میانجیگری کردن در اختلاف و جنگ

خلاصه:

"حال برای من واضح شده که - در جهان مصدع شده ما ، پر از جنگ و جدال ، عاقل نخواهد بود که ادعا بهتر بودن مذاهیب ما به یکدیگر کرد شخص عاقل انصاف را راه خود قرار داده از همه آنها یاد میگیرد . شاید که اینطور دروازه کلیدش گم شده ، دوباره شود." گفته دانشور هنری 16 ق .

در میانجیگری در جنگ و مجادله ، ما تدریس یک فرهنگ صلح می کنیم . مقصد میانجیگری در جنگ و مجادله خبر ساختن اینست که اطفال پرورش دهند مهارت اجتماعی و احساساتی به کاهش خشونت و تبعیض ، و تشکل روابط دو ستانه و پروا داشتن و آباد کردن زندگی صحیحی. میان جیگری در جنگ و مجادله و پروگرام های آن در مکاتب به مقصد این است ، فرهنگ مکتب را تغییر داد، و ارزش های که در بالا ذکر شد به عنوان اساساتی آموزشی تدریس شود .

مثال های میانجیگری در جنگ و مجادله

- قدم اول :** تکرار لغات - تعریف و معنی کنید هر لغتی را که میدانید تازه و نا آشنا به شاگردان .
- قدم دوم :** توضیح دهید که چطور تبعیض ، مورد تمسخر و خجالت قرار دادن دیگران بخاطر عقاید و فرهنگ ایشان مضر است .
1. شاگردان را به گروپ های سه و یا چهار نمره تقسیم بندی کنید . به هر شاگرد کاغذ سفیدی بدهید و از آنها بخواهید که در آن اظهار بدارد و قتیکه آنها با شخص دیگری در معادله بزرگی گرفتار شدند در گذشته . (شاگردان باید که فقط در مورد جنگ بگویند ، نه اینکه چطور آن تخلف حل و فصل شد)
 2. از شاگردان بخواهد که کاغذ هایشان را به مرکز گروپ به زمین بگذارند ، طوری که نوشته آن دیده نشود .
 3. از یک شاگرد یک گروپ بخواهید که یکی از آن کاغذ ها را بگیرد و به بقیه گروپ بخواند . بعداً هر شاگرد در کاغذی که بدست دارد ، طرق حل و میانجیگری آن اختلاف را ذکر میدارد .
 4. به هر شاگرد در گروپش فرصت بدهید که مفکوره و راه حل خود را به آن اختلاف اظهار بدارد .
 5. و قتیکه تمام اعضای یک گروپ هم عقیده شدند در مورد راه حل اختلاف. شاگرد دیگری از آن گروپ کاغذی جدیدی را میگیرد و آنرا میخواند به دیگران و همین طور بقیه صنف کار را پیش میبرند تا تمام کاغذ های شاگردان خوانده شود و راه های حل آنها مورد بحث قرار گیرد .
 6. صحبت را شروع کنید با خواستن از یک گروپ که راه حل آنها را به یک اختلاف بیان دارند به بقیه شاگردان صنف . بعداً شاگردان بخواهید که بگویند چه ملاحظه کردند در اختلاف ؟ و چه ملاحظه کردند در راه حل اختلاف .
- قدم سوم :** مباحثه بیشتر :
- چه است بعضی از راه های که مردم منحرف گردیدند بخاطر تبعیض ، مورد ریشخند و تمسخر قرار دادن عقاید و فرهنگ دیگران .
 - وضعیت های که در بالا ذکر شده نمایندگی از چگونه حالت میکنند و آنها را چطور تقسیم بندی می کنید .

- نقش وضعیت متذکره در جنگ و اختلاف چی است؟ آیا آنها سبب جنگ و اختلاف می شود و یا تحریک کننده آن .
- میتوانید شما بیاد آورد اشخاص را که به راه منحرف رفتند و یا فرصتی را از دست دادند بخاطر وضعیت های بالا، چه بعنوان فاعلین و یا طعمه؟
- چطور مردم که وضعیت های متذکره را (تبعیض، مورد ریشخند و تمسخر قرار دادن عقاید و فرهنگ دیگران) را انجام میدهند ، آنها را میآموزند؟
- آیا شما هرگز قربانی چنین تبعیضات قرار گرفته اید؟

قدم چهارم :

1. از یک شاگرد بخواهید که بنویسد در مورد یک موضوعی که مورد توجه اش قرار گرفت از بین مباحثی که بحث شد در صنف .
2. از شاگردان بخواهید که بنویسند یک مفکوره و یا نظریه که مورد توجه و ملاحظه ایشان قرار گرفت از بین مباحث و یگر نظریه های شاگردان . (پیش از پیش به شاگردان بگوئید که این عمل را انجام خواهید داد ، تا اینطور آنها را به گوش دادن فرا خواند .)

ضمیمه

عناوین برای ارزیابی تدریس:

- تغییر در وضعیت اقتصادی فارغین
- تغییرات در جنبه های اجتماعی فارغین
- تغییر در جنبه های صحتی و تغذیوی
- تغییرات در جنبه های موقعیت در اجتماع

ارزیابی این تدریس

- از این تدریس چه مهارت های جدیدی آموختید؟
- چقدر موثر است این آموزش و تدریس؟
- چه مشکلاتی را روبرو خواهید شد در کار برد و تحمیل کردن این روش جدید آموزشی؟
- چه است موثریت و جنبه های مثبت این روش؟
- چه است جنبه های منفی این روش؟
- چه مشکلات را شاگردان مواجه خواهد شد در پیروی از اصول این روش تدریس؟
- چه پیشنهاداتی دارد در بهتر ساختن این روش؟ (چه چیزهای اضافه ، دور و یا تصحیح میخواهید بکنید)

سر معلمین

- هماهنگ بسازید تمام اعمال در مکتب را و سر پرستی کنید از کار های معلمین
- گذارش بدهید فعالیت های مکتب را به شکل منظم به تمام مقام بالا تر آموزش
- مواد دارائی مکتب را مواظبت کنید .
- معرفی و آشنا بسازید معلمین تازه را به مکتب ، مامورین را و امور کاری .
- نقش فعالی را در کورس ها و مضامین جدید ایفا نمائید
- روابط خوبی با دولت و NGOs برقرار دارید .
- مکاتبه کنید با مردم ، مخصوصاً با والدین در مورد پیشرفت مکتب

نظریات برای یک پروگرام تسریع پرورش معلمین

بهترین پروگرام های پرورش معلمین محدود به ابتدائی نیست ، بلکه روند آموزشی سراسر مکلفیت معلمی را در بر میگیرد . یک مثال چنین پرورش در ذیل ذکر شده :

یک معلم تازه پیش از به عهده گرفتن وظیفه معلمی باید که :
بین 12-15 روز را در آموزش اساسات معلمی سپری نمائید
سه روز برای اشنائی و معرفی شدن با امور و مامورین مکتب سپری نمائید در شروع سال تعلیمی .
یک معلم که تازه شروع به وظیفه معلمی کرده است :
مروری دو روزی بعد از 2 و یا 3 ماه سال اول
مروری چهار روزی بعد از سال اول تدریس
مروری سه روزی بعد از سال دوم تدریس
مروری 12 روزی بعد از سال سوم تدریس
مروری یک روزی (وقتیکه معلمین هیچ از موارد بالا را در یافت نمیدارند)
آموزش ها غیر رسمی است ، ولی با نظم و ترتیب است . این آموزش تقدیم میدارد ، مهارت های اساسی ،
محتویات تازه و فعالیت ها را . کورس عادی ابتدای مرور روز مره درسی را توضیح میدهند در پهلوی مشکلات
، راه های جدید تدریس و میتودلوژی برای آماده ساختن معلمین به سال و یا ماه جدید تحصیلی. مقصد عمده این
است که معلمین را مجهز و آماده به بهتر و سهول کردن صنف هایش .